



## انسجام اجتماعی در مدیریت بحران زلزله

## بررسی اثرات انسجام اجتماعی در مدیریت بحران زلزله از دیدگاه ساکنان محلی،

## مطالعه موردی: ازومدل شمالی، شهرستان ورزقان

وکیل حیدری ساربان

دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، اردبیل، ایران. Vheidari56@gmail.com

## چکیده

**زمینه و هدف:** بدون تردید یکی از بلایای طبیعی که زندگی انسان را در طول تاریخ تهدید کرده و از مخرب‌ترین پدیده‌های طبیعت محسوب می‌شود و گاه تمدن‌های بشری را منقرض نموده، زلزله می‌باشد. این پدیده در هر زمانی از سال، روز یا شب ممکن است رخ دهد؛ از مهم‌ترین ویژگی‌های این پدیده طبیعی، غیر قابل پیش‌بینی و ناگهانی بودن وقوع آن و هم‌چنین کوتاه بودن زمان برای عکس‌العمل در مقابل آن می‌باشد. هدف این مقاله بررسی اثرات انسجام اجتماعی در مدیریت بحران زلزله از دیدگاه ساکنان محلی در مناطق روستایی شهرستان ورزقان می‌باشد.

**روش:** پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های ترکیبی است که با استفاده از تکنیک‌های کیفی (مصاحبه نیمه ساختار یافته) و کمی (پرسش‌نامه لیکرت) انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش همه روستاهای آسیب دیده دهستان ازومدل شمالی و خانوارهای ساکن در این روستاها را شامل می‌شود. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه محقق ساخته بوده است که برای اطمینان از روایی آن به مصاحبه اکتشافی با ۳۲ خانوار زلزله زده پرداخته شد. مطالعه راهنما در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد ۳۰ پرسش‌نامه صورت گرفت و با داده‌های کسب شده و استفاده از فرمول ویژه کرونباخ آلفا، پایایی بخش‌های مختلف پرسش‌نامه تحقیق ۰/۷۴ الی ۰/۸۴ بدست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل تحلیل عاملی استفاده شد.

**یافته:** یافته‌های این تحقیق نشان داد که اثرات انسجام اجتماعی در مدیریت بحران زلزله در منطقه مورد مطالعه با تقویت هم‌زیستی اجتماعی و نشاط اقتصادی، تقویت ارتباطات اجتماعی و تسهیم دانش، تقویت خودارزشمندی و مداخله‌گری اجتماعی و تقویت تعاملات و شادکامی اجتماعی ارتباط دارد. **نتیجه‌گیری:** نتایج مدل تحلیل عاملی نشان داد مهم‌ترین اثرات وقوع زلزله در منطقه مورد مطالعه شامل چهار مؤلفه (تقویت هم‌زیستی اجتماعی و نشاط اقتصادی، تقویت ارتباطات اجتماعی و تسهیم دانش، تقویت خودارزشمندی و مداخله‌گری اجتماعی و تقویت تعاملات و شادکامی اجتماعی) است که مقدار واریانس و واریانس جمعی تبیین شده توسط این چهار عامل ۷۵/۵ می‌باشد؛ و در نهایت، بر اساس نتایج تحقیق پیشنهاد کاربردی ارائه شده است.

**کلید واژه‌ها:** زلزله، انسجام اجتماعی، مدیریت بحران، توسعه روستایی، شهرستان ورزقان.

◀ **استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش ششم ۲۰۱۰):** حیدری ساربان، وکیل (زمستان ۱۳۹۴). بررسی اثرات انسجام اجتماعی در مدیریت بحران زلزله از دیدگاه ساکنان محلی، مطالعه موردی: ازومدل شمالی، شهرستان ورزقان. فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، ۵ (۴)، ۲۸۶-۲۹۶.

## A Survey on Social Cohesion Impacts on Earthquake Disaster Management From Local Community viewpoint, Case Study: North Ozumdel, Varzgan County

Vakil Heidari Sareban

Associate Professor, Department of Geography and Urban and Rural Planning, Faculty of Literature and Human Sciences, Ardabil, Iran.

### ABSTRACT

**Background and objective:** Undoubtedly, one of the devastating natural disasters that threatened human life along history and sometimes led to elimination of human civilization is earthquake. Earthquake may occur suddenly and at any time of year, day or night. The main characteristics of this natural event are being sudden and unpredictable and also, time shortage for reaction against it. The objective of this research is studying social cohesion impacts on earthquake disaster management from local community viewpoint who residing in Varzagan rural area.

**Method:** The method of present research was analytical –descriptive that has been done through qualitative techniques including Semi- Structured interview and Likert questionnaire. Data gathered from sample population residing in North Ozumdel. For examining validity of questionnaire, pretest has been done and data gathered from 30 participants from similar region. Reliability of questionnaire was 0.74 to 0.84 based on the data collected and Alpha Cronbach formula. Data analysis has been done by SPSS software.

**Findings:** The results of this research demonstrated that impacts of social cohesion on earthquake disaster management in the afore said region is correlated with social coexistence, economic vitality, strengthening social communication, knowledge transfer, reinforcing self- esteem and social intervention and enhancing social interaction and vitality.

**Conclusion:** Result of data analysis showed that the most important impacts of earthquake in the said rural areas are four factors as strengthening social coexistence and economic vitality, reinforcing social communication and knowledge transfer, increasing self- esteem and social intervention and enhancing social interactions and vitality and that the variance and explained accumulated variance number is (75.5) according to said four factors. Finally, based on the results analysis, some applied recommendations have been provided.

**Keywords:** Earthquake, Social Cohesion, Disaster Management, Rural Development, Varzgan County.

► **Citation (APA 6th ed.):** Heidari Sareban, V (2015, Winter). A Survey on Social Cohesion Impacts on Earthquake Disaster Management From Local Community viewpoint, Case Study: North Ozumdel, Varzgan County. *Disaster Prevention and Management Knowledge Quarterly (DPMK)*, 5(4), 286-296.

## مقدمه

روستاها در برابر سوانح و مخاطرات طبیعی آسیب‌پذیری زیادی دارند و هر سال حوادث طبیعی خسارات بسیاری را بر روستاها و اقتصاد کشور تحمیل می‌کند (رضوانی، ۱۳۸۳، ص ۲۰). به همین دلیل مدیریت بحران از مهم‌ترین اولویت‌های کشور به ویژه در روستاها می‌باشد.

مدیریت بحران در برگیرنده یک سری عملیات و اقدامات پیوسته و پویا است که به طور کلی بر اساس اصول مدیریت کلاسیک مدیریت شامل برنامه‌ریزی، سازماندهی، تشکیلات رهبری و کنترل است. مدیریت بحران مجموعه مفاهیم نظری و تدابیر عملی در ابعاد برنامه‌ریزی جهت مقابله با سوانح، قبل و بعد از سانحه است. (هاشمی، ۱۳۹۰، ص ۴۵). افزون بر این، مدیریت بحران مجموعه‌ای از فعالیت‌های اجرایی، تصمیم‌گیری مدیریتی و سیاسی می‌باشد که در قالب مراحل، در راستای نجات، کاهش دادن خسارت، جلوگیری از وقفه در زندگی، تولید و خدمات و ارتباطات و پشتیبانی از محیط زیست و در نهایت بازسازی خرابی‌ها انجام می‌گیرد (فوستر<sup>۱</sup>، ۱۹۸۰، ص ۱۵). بررسی اسناد و مدارک نشان می‌دهد حوادث را به دو دسته کلی، شامل حوادث طبیعی و غیرطبیعی (انسانی) تقسیم می‌کنند. (گلابچی و طبیات، ۱۳۸۷، ص ۳۲) در این بین، زلزله یکی از خطرناک‌ترین بلایا و حوادث طبیعی عصر حاضر می‌باشد که همواره اهمیت خود را به طور عینی نمایان کرده است. زلزله نمودی از قدرت عظیم طبیعت است که در اثر جابجایی نسبی صفحات عظیم تکتونیکی تشکیل دهنده پوسته جامد کره زمین و آزاد شدن انرژی پس از وقوع گسیختگی در محل درگیری صفحات تکتونیکی به وقوع می‌پیوندد (همان، ص ۳۳). افزون بر این، زلزله یکی از مخرب‌ترین بلایای طبیعی است که پیش‌بینی آن غیرممکن است و باعث آسیب‌های جدی جانی و مالی فراوانی در مناطق زلزله‌خیز می‌شود و روستاها به جهت این‌که از بناهای کم دوام و فرسوده تشکیل یافته‌اند و آمادگی لازم برای رویارویی با این بحران را ندارند، با کوچک‌ترین شوک، دچار صدمات جبران‌ناپذیری می‌شوند.

گفتنی است از آن جایی که وقوع زلزله در مناطق روستایی یک بحران محسوب می‌شود؛ رویدادی ناگهانی که با آسیب‌های مادی و جانی گسترده همراه بوده و نیازمند انجام اقدامات فوری است؛ در رابطه با بحران می‌توان به دو دسته کلی نظریات اشاره کرد: الف) نظریات مکتب رفتاری ب) نظریات مکتب ساختاری. الف) نظریات مکتب رفتاری: دیدگاه رفتاری بر ایجاد و تشدید سوانح در نتیجه رفتارهای غیر اصولی انسان تاکید می‌کند. این رویکرد به نقش فعال فن‌آوری و قدرت علم در پیش‌گیری از سانحه تاکید کرده است؛ اما این دیدگاه به علت این‌که به نقش تصمیم‌گیرندگان و قربانیان بیش از حد تاکید می‌کند و به عرصه‌های وسیع‌تر اجتماعی و قدرت اقتصادی می‌پردازد، مورد انتقاد قرار گرفته است. ب) نظریات مکتب ساختاری: دیدگاه ساختاری (۱۹۷۰)، از طریق رابطه بین سوانح و توسعه نیافتگی و وابستگی اقتصادی جهان سوم القاشده است. در اصل، این عقیده وجود دارد که افزایش مصیبت‌های کشورهای در حال توسعه و کم توسعه یافته، بیش‌تر به سبب توجه افراد به امور اقتصاد جهانی، گسترش سرمایه‌داری و در حاشیه قرار گرفتن مردم فقیر و مستضعف است تا اثر حوادث ژئوفیزیکی (حیدری ساریان، ۱۳۹۳ ص ۴۶). رویکردهای رایج در خصوص آسیب‌پذیری زلزله شامل رویکرد زیستی-فیزیکی، رویکرد ساخت اجتماعی و رویکرد ترکیبی می‌باشند. رویکرد زیستی-فیزیکی بیشتر روی مخاطرات طبیعی، زوال محیط زیستی - فیزیکی و آثار و جلوه جغرافیایی این برداشت از زیان‌های مالی و جانی حاصل از آن‌ها بر ساکنان توجه می‌کند (استان گانلی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸ ص ۱۵۹). مطابق رویکرد ساخت اجتماعی درجه‌ای که مردم در برابر مخاطرات آسیب‌پذیرند تنها به شرایط و وضعیت اجتماعی-اقتصادی بستگی ندارد، بلکه وابسته به «نزدیکی به منبع خطر» یا طبیعت خطر نیز است. لذا، جمعیت‌های مختلفی که تحت شرایط متفاوت اجتماعی، اقتصادی و نهادی زندگی می‌کنند از سطوح متفاوتی از آسیب‌پذیری برخوردارند (میچل<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱، ص ۲۰۹). رویکرد ترکیبی تلاش دارد بین نگرش‌های دوگانه مذکور سازش برقرار کند. در حقیقت دیدگاه ترکیبی بیان‌گر تحول طبیعت‌گرایی «فن محوری» و تکامل

2. Stanganelli

3. Mitchell

1. Foster

خود می‌افزاید، نکاتی است که غالباً از دید آنان مخفی مانده است. به نظر زیمل اشتباه است فکر کنیم که در جامعه انسجام اجتماعی و همبستگی و یا عدم انسجام و تضاد وجود دارد. اگر با یک رهیافت دیالکتیکی به جامعه بنگریم در جامعه هم انسجام و همبستگی وجود دارد و هم عدم انسجام و تضاد وجود دارد. (امام جمعه‌زاده ۱۳۹۲، ص ۲۵). در نظریه پارسونز مساله انسجام اجتماعی با تکیه بر هسته‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای مشترک حل شد که به واسطه عامل‌های اجتماعی به عنوان امر مشروع پذیرفته می‌شود. (پارسونز<sup>۴</sup>، ۱۹۵۹ ص ۱۴۵). در واقع انسجام اجتماعی تضمین می‌کند که افراد، گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی و سکونتگاه‌های انسانی، به اشتراک ذهنی (مدل‌های ذهنی مشترک) برسند، از قوانین و قواعد جامعه پیروی کنند، امکانات آن را مورد استفاده قرار بدهند، در نقطه مقابل توانمندی‌ها و قابلیت‌های خویش را بازشناسی و مورد پرورش و در معرض جوامع انسانی قرار بدهند، که این مهم هم، بستر توسعه ظرفیتی و توانمندی‌های جامعه را مهیا کرده و به دنبال آن در چنین فضایی بذر پذیرش اندیشه‌های نو و به کارگیری و آزمون آنها، پذیرش عقلانیت، تفکر و نگرش علمی، توجه بیشتر به برنامه‌ریزی، ساماندهی و سیاست‌گذاری حول محور بهره‌وری، کارآیی، اثربخشی و کارآمدی به بار می‌نشیند (سن<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲ ص ۵۴ و نورث<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸ ص ۲۷). یافته‌های علمی نشان می‌دهد که بین تقویت انسجام اجتماعی و مدیریت بحران رابطه معنی‌داری وجود دارد به عبارتی انسجام اجتماعی کاراترین عامل موثر و نتیجه بخش، تجهیز و بسیج منابع انسانی و محلی در مدیریت بحران زلزله است. شهرستان ورزقان در جنوب غرب و غرب ناحیه شمال شرق استان آذربایجان شرقی از جمله نواحی آسیب‌پذیری است که به دلیل قرارگیری در محل برخورد کوه‌های البرز و زاگرس جزء مناطق زلزله‌خیز محسوب می‌شود (فریدی، ۱۳۸۹ ص ۷۴). بخش عمده ای از جمعیت این شهرستان در مناطق روستایی ساکن‌اند و تعداد قابل توجهی از روستاها در این شهرستان استقرار یافته‌اند. در زلزله‌ای که در سال ۱۳۹۱ در این منطقه رخ داد آسیب‌های جانی و مالی قابل توجهی در مناطق روستایی این شهرستان روی داد. مهم‌تر از آن در بازسازی بعد از بحران زلزله در شهرستان ورزقان یک سری مسائل و اتفاقاتی (از جمله: کمک به

نظری و مفهومی آسیب‌پذیری و گذر آن از مراحل متفاوت و متمایز «طبیعت» و جامعه در ادامه ترکیب و پذیرش تعامل آن‌هاست. در این فرایند تکاملی، با الهام از مدل نظام‌ها و نظریه پایداری، امروزه خصیصه‌هایی چون همه جانبه‌نگری، کل‌نگری، یکپارچه‌نگری و پیچیدگی تعاملات و فرایندها در حال تبدیل به اصول مسلم و میراث ارزش‌مند پژوهش و نظریه آسیب‌پذیری هستند. از این رو بر اساس دیدگاه ترکیبی، آسیب‌پذیری مفهوم و پدیده‌ای صرفاً « فنی و زیستی - فیزیکی یا اجتماعی- اقتصادی » نیست؛ بلکه به‌طور همزمان، پدیده‌ای چندبعدی و فرایندی اجتماعی- اکولوژیک است. (ترون‌دیم<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸ ص ۱۲۲، اسمیت، ۲۰۰۶ ص ۹۸). به باور هاینزل<sup>۲</sup> (۲۰۱۲)، افزایش آگاهی‌ها، افزایش دانش، ارتقای سطح مهارت‌ها، مشارکت و پر رنگ شدن نقش مردم و رویکردهای مردم‌محور، افزایش توانمندی‌های نهادی و تقویت انسجام اجتماعی در حل چالش‌های فراروی زلزله به عنوان مؤلفه اصلی مطرح شده است.

از آغاز قرن ۱۹، همراه با هر تغییر اجتماعی شدیدی که باعث تزلزل در تشابهات و اشتراکات و بازسازی مصالحه و سازش‌های گذشته، (و برنامه‌ها و سیاست‌های تدوین شده آن) می‌شد، مراکز پژوهشی و سیاست‌گذاری، شروع به طرح مباحثی درباره کنترل تضاد، خشونت و رقابت با سایر نظریه‌های موجود درباره شکل‌گیری نظم و انسجام اجتماعی می‌کردند. پارسونز، زیمل، دورکیم و... از نظریه پردازانی هستند که نظریه‌های مهمی را درباره شکل‌گیری نظم و انسجام اجتماعی مطرح کردند. (کریمی موعاری، ۱۳۹۰ ص ۱۸۶). به زعم بنسون<sup>۳</sup> (۱۹۹۷)، دسترسی آسان به اعتبارات دولتی، بازسازی ارتباطات اجتماعی، همکاری با تشکل‌های مردمی، افزایش انسجام و تعاملات بین افراد روستایی، تعامل سازنده با نهادها و سازمان‌های متولی درگیر پیرامون مدیریت بحران روستا، افزایش امنیت اجتماعی و اقتصادی و افزایش حمایت مالی به یکدیگر و... زلزله‌زدگان روستایی تا حدود بسیار زیادی ناشی از تقویت انسجام اجتماعی می‌باشد.

زیمل از جمله اندیشمندانی است که درباره انسجام اجتماعی نظریه پردازی کرده است. آن چه زیمل بر آثار جامعه‌شناسان هم عصر

4. Parsons  
5. Sen  
6. North

1. Trondheim  
2. Hainzl  
3. Benson

کالبدی استان تهران به توانمندسازی مدیریت بحران در برابر بلایای طبیعی توجه ویژه کرد. مطالعات طالب، عنبری و دانش مهر (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که به منظور تحقق برنامه‌های کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی، استفاده از مشارکت مردم در مراحل مختلف مدیریت سانحه، امری ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین شناخت این موضوع که مردم چگونه در مراحل مدیریت یک سانحه طبیعی، همکاری و تعامل داشته‌اند؛ از اهمیت فوق العاده‌ای در روند برنامه ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های آتی برخوردار است. پورطاهری، پریشان، رکن‌الدین افتخاری و عسگری (۱۳۹۰) در تحقیقی درخصوص «سنجش و ارزیابی مولفه‌های مبنایی مدیریت ریسک زلزله» دریافتند که تمامی مولفه‌های مدیریت ریسک زلزله در میان سکونتگاه‌های روستایی در سطح پایین بوده‌اند. مطالعات برنت<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) نشان می‌دهد که انسجام اجتماعی کارترین عامل موثر و نتیجه بخش، تجهیز و بسیج منابع انسانی و محلی در مدیریت بحران است. تانزند<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) دریافت که تقویت انسجام اجتماعی زمینه تعامل سازنده روستاییان را با نهادهای درگیر در مدیریت بحران زلزله، مشارکت در طراحی یک مدل جامع ایمنی با مسئولان امر و همکاری در جلوگیری از شیوع بیماری‌های انسانی و دامی واگیر مشترک دام و انسان مهیا می‌سازد. بر طبق مطالعات پال<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) هر چه قدر انسجام اجتماعی در بین روستاییان از شدت بیش‌تری برخوردار باشد به همان میزان جوامع روستایی در طرح‌های پیرامون ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی مسکن، همکاری با شوراها، مشارکت در فرآیند بازسازی زیر ساخت‌ها و مساعدت به یکدیگر در ساخت مسکن استقبال خواهند کرد. به باور ویلت<sup>۴</sup> (۲۰۰۳) افزایش حمایت مالی روستاییان به هم‌دیگر، استقبال از بیمه داوطلبانه، شرکت منظم در مانورهای پیرامون آمادگی در برابر بحران زلزله و تحقق فعالیت جمعی تا حدود بسیار زیادی به تقویت انسجام اجتماعی روستاییان بستگی دارد. به زعم ناریتا<sup>۵</sup> (۲۰۰۸) بین انسجام اجتماعی و افزایش رضایتمندی از خود، تقلیل اختلافات و تعارضات، تقلیل ناامنی فردی و اجتماعی و تجدید حیات عرصه

هدایت فعالیت‌های لازم برای مداخله بعد از وقوع بحران، استقبال از اقدامات آموزشی و کارآموزی دولت پیرامون بلایای طبیعی، پذیرش اهداف و دستورات مربوط به بازسازی، مشارکت در طراحی یک مدل جامع ایمنی با مسئولان امر، استقبال از طرح‌های پیرامون ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی، کمک به تعادل و توازن در نقش‌های اقتصادی و تجاری، همکاری با دهیار و شوراهای اسلامی، تعامل سازنده با نهادها و سازمان‌های متولی درگیر پیرامون بحران زلزله و... رخ داد که روند بازسازی مناطق زلزله‌زده را با دشواری‌های بسیاری مواجه ساخت که شواهد و اسناد نشان داد که ریشه بسیاری از این مشکلات به دلیل عدم انسجام اجتماعی قوی در منطقه مورد مطالعه می‌باشد. در نوشتار حاضر اثرات انسجام اجتماعی در مدیریت بحران زلزله از دیدگاه ساکنان محلی در مناطق روستایی شهرستان ورزقان بررسی می‌شود. در اینجا با انجام پیمایش از روستاییان ساکن در مناطق روستایی شهرستان ورزقان نقش انسجام اجتماعی در مدیریت بحران مناطق روستایی تحلیل می‌شود و سئوالی که پیرامون پیوند بین انسجام اجتماعی و مدیریت بحران می‌تواند مطرح شود این است که آیا بین تقویت انسجام اجتماعی و مدیریت بحران رابطه وجود دارد؟

ویسی و کشاورز (۱۳۹۰)، در تحقیقی پیرامون «تبیین مدل ساختاری مشارکت مردمی در کاهش خطر سوانح طبیعی» دریافتند که رابطه آماری معنی‌داری بین متغیرهای مستقل همدلی اجتماعی، احساس ناتوانی و بی‌قدرتی فرد، کنش عقلانی، میزان آگاهی فرد از وقوع حادثه و پایگاه اجتماعی-اقتصادی با متغیر وابسته تمایل به مشارکت در کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی وجود دارد. نتایج مطالعات حیدری ساریان (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «تحلیل اثرات وقوع زلزله در مناطق روستایی» نشان داد که مهم‌ترین اثرات وقوع زلزله در منطقه مورد مطالعه شامل چهار مؤلفه (اقتصادی و معیشتی، اجتماعی و خویشاوندی، روان‌شناختی و فردی و کالبدی و محیطی) است که مقدار واریانس و واریانس جمعی تبیین شده توسط این چهار عامل ۷۹/۲۹ می‌باشد. مطالعات رشیدی و همکاران (۱۳۹۰)، با عنوان «مدیریت بحران در جهت تعدیل خسارت‌های حاصل از زلزله در استان تهران» نشان داد که اقدامات صحیح در خصوص توانمندسازی در برابر زلزله کمک شایانی در رابطه با تعدیل خسارت‌های حاصل از زلزله در استان تهران می‌کند و با توجه به ویژگی‌های فضایی-

1. Burnet
2. Townsend
3. Paul
4. Wilhite
5. Narita

۳۵ مورد مصاحبه انجام شده، از روش کدگذاری باز استفاده شد. براساس این روش، کدگذاری داده‌های مصاحبه در دو سطح کدگذاری اولیه یا سطح اول و کدگذاری سطح دوم یا متمرکز انجام شد. پس از کدگذاری سطح اول و سطح دوم، ۳۲ مؤلفه انسجام اجتماعی تاثیرگذار در مدیریت بحران زلزله شناسایی شد. در مرحله دوم تحقیق، برای شناخت و تحلیل دیدگاه اجتماعات روستایی و میزان توافق نظری آنها با نتایج مرحله نخست، ۳۲ مؤلفه شناسایی شده مبنای طراحی پرسش‌نامه به روش لیکرت، قرار گرفت. جامعه آماری این پژوهش همه روستاهای آسیب دیده ازومدل شمالی و خانوارهای ساکن در این روستاها را شامل می‌شود. در بررسی روستاها، حجم نمونه منطبق بر تعداد روستاها و بررسی خانوارهای ساکن نیز برآورد حجم نمونه

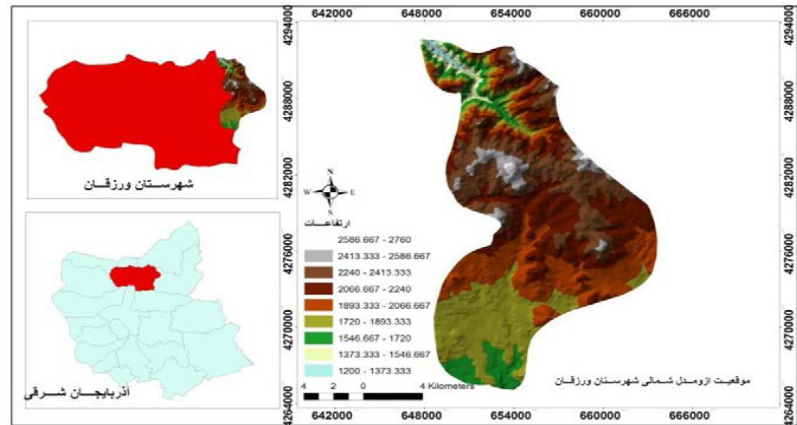
با پذیرش  $d=4\%$ ، حداکثر واریانس  $pq=0.25$ ، و  $t=1/96$  معادل ۱۳۱ واحد نمونه‌ای بوده است. برای برآورد حجم نمونه‌ای با دقت احتمالی مطلوب برابر با  $4\%$  و در سطح اطمینان ۹۵ درصد که قابلیت تعمیم به کل جامعه آماری را داشته باشد، از روش برآورد بر مبنای حداکثر واریانس احتمالات استفاده شده است. همان طوری که به نوعی گفته شد ابزار گردآوری داده‌ها در این مطالعه پرسش‌نامه‌ای بوده است که با توجه به اهداف تحقیق طراحی شد. روایی صوری پرسش‌نامه توسط پانل

متخصصان مورد تایید قرار گرفت. مطالعه راهنما در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد ۳۰ پرسش‌نامه صورت گرفت و با داده‌های کسب شده و استفاده از فرمول ویژه کرونباخ آلفا در نرم افزار SPSS، پایایی بخش‌های مختلف پرسش‌نامه تحقیق  $0.74$  الی  $0.84$  بدست آمد. هم‌چنین از طریق ابزار پرسش‌نامه، متغیرهای تحقیق حاضر به کمک ۵۵ سؤال بسته مورد سنجش قرار گرفت و برای امتیازدهی آن از طیف پنج قسمتی لیکرت استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد. در بخش آمار توصیفی با استفاده از آمارهایی نظیر فراوانی، میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات به توصیف داده‌های پژوهش پرداخته شد. در بخش استنباطی مهم‌ترین روش آماری به کار رفته در این پژوهش، تحلیل عاملی است.

زندگی خصوصی و تقلیل اضطرابات روحی و روانی ناشی از بحران زلزله رابطه معنی‌داری وجود دارد.

### منطقه مورد مطالعه

شهرستان ورزقان با وسعت ۲۳۶۸ کیلومتر مربع از شرق به شهرستان اهر، از غرب به شهرستان مرند، از شمال به شهرستان‌های کلیبر و جلفا و از جنوب به شهرستان‌های هریس، تبریز و شبستر محدود شده است. نام دیگر شهرستان ورزقان، ارسباران است و این نام به دلیل واقع شدن بسیاری از جنگل‌های ناحیه‌ای سرسبز ارسباران در این شهرستان است و در نهایت نقشه (۱) موقعیت جغرافیایی دهستان ازومدل شمالی را نشان می‌دهد.



نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی دهستان ازومدل شمالی (حجازی و همکاران، ۱۳۹۱)

### روش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های ترکیبی است که با استفاده از تکنیک‌های کیفی (مصاحبه نیمه ساختار یافته) و کمی (پرسش‌نامه لیکرت) انجام شده است. در مرحله نخست، اثرات انسجام اجتماعی در مدیریت بحران زلزله در محدوده مورد مطالعه، از دیدگاه نخبگان محلی با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته مورد شناسایی قرار گرفت. برای نیل به این مقصود، با ۳۵ نفر از ساکنان منطقه مورد مطالعه که دارای تحصیلات دانشگاهی با حداقل مدرک تحصیلی فوق دیپلم بودند، مصاحبه‌های جداگانه‌ای به عمل آمد. روش نمونه‌گیری گلوله برفی که یک تکنیک نمونه‌گیری غیر احتمالی است، برای انتخاب افراد مصاحبه شونده به کار گرفته شد. برای تحلیل داده‌های



## یافته‌ها

متغیرهای مختلف را فراهم می‌آورد. همان طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود افزایش حمایت مالی به یکدیگر، مداخله سیاسی و مدنی جوامع روستایی در فرآیند مدیریت بحران بعد از وقوع زلزله، افزایش امنیت اجتماعی و اقتصادی و استقبال از بیمه داوطلبانه جزو مهم‌ترین عوامل اولویت‌بندی شده است.

اولویت‌بندی اثرات انسجام اجتماعی در مدیریت بحران زلزله به منظور تعیین اثرات انسجام اجتماعی در مدیریت بحران زلزله از دیدگاه خودشان، میانگین رتبه‌ای نظر آنها محاسبه و اولویت‌بندی گردید. برای اولویت‌بندی از ضریب تغییرات (CV) استفاده شده است که یک شاخص نسبی است و امکان مقایسه

جدول ۱: اولویت‌بندی اثرات انسجام اجتماعی در مدیریت بحران زلزله

نمره	گویه	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه
۱	افزایش حمایت مالی به یکدیگر	۵/۶۵	۰/۶۷	۲۵/۴	۱
۲	مداخله سیاسی و مدنی جوامع روستایی در فرآیند مدیریت بحران	۵/۵۴	۰/۷۵	۲۵/۳	۲
۳	افزایش امنیت اجتماعی و اقتصادی	۵/۴۳	۰/۵۲	۲۵/۱	۳
۴	استقبال از بیمه داوطلبانه	۵/۳۵	۰/۸۷	۲۴/۴	۴
۵	شرکت منظم در مانورهای پیرامون آمادگی در برابر بحران زلزله	۵/۳۱	۰/۷۳	۲۴/۱	۵
۶	تعامل سازنده با نهادها و سازمان‌های متولی درگیر پیرامون مدیریت بحران روستا	۵/۱۸	۰/۶۷	۲۳/۱	۷
۷	سهولت دسترسی به خدمات درمانی و بهداشتی	۵/۹	۰/۸۳	۲۲/۶	۹
۸	مشارکت در طراحی یک مدل جامع ایمنی با مسئولان امر	۵/۶	۰/۶۹	۲۲/۴	۱۰
۹	احساس مسئولیت در قبال کاهش خطر پذیری سوانح طبیعی	۴/۶۱	۰/۹۲	۲۱/۳	۱۵
۱۰	افزایش انسجام و تعاملات بین افراد روستایی	۴/۵۵	۰/۹۰	۲۱/۲	۱۶
۱۱	همکاری با دهیار	۴/۴۵	۰/۶۷	۲۰/۵	۱۷
۱۲	افزایش آینده‌نگری و ایجاد یک سیستم مدیریت استاندارد در زمینه بحران	۴/۴۰	۰/۵۷	۲۰/۴	۱۸
۱۳	تحقق فعالیت جمعی	۴/۳۱	۰/۸۳	۱۹/۹	۲۰
۱۴	کمک به یکدیگر در ساخت مسکن	۴/۱۶	۰/۷۳	۱۸/۸	۲۲
۱۵	پذیرش اهداف و دستورات مربوط به بازسازی مناطق آسیب دیده توسط جامعه روستایی	۴/۱۳	۰/۵۴	۱۸/۵	۲۳
۱۶	استقبال از اقدامات آموزشی و کارآموزی دولت پیرامون بلایای طبیعی	۴/۱۱	۰/۴۶	۱۸/۴	۲۴
۱۷	استقبال از میزان به کارگیری تجهیزات ایمنی و مواد ساختمانی ایمن تر	۴/۸	۰/۳۴	۱۸/۳	۲۵
۱۸	کمک به هدایت فعالیت‌های لازم برای مداخله بعد از وقوع بحران	۳/۸۷	۰/۲۹	۱۳/۷	۲۶
۱۹	افزایش مبادله اطلاعات و دانش	۳/۸۵	۰/۶۷	۱۳	۲۷
۲۰	تقلیل اضطرابات روحی و روانی ناشی از بحران زلزله	۳/۷۶	۰/۴۹	۱۳/۹	۲۸
۲۱	ارتقای توانمندی‌های لازم پیرامون انجام فعالیت‌های روزمره	۳/۷۲	۰/۵۷	۱۳/۷	۲۹
۲۲	تجدید حیات عرصه زندگی خصوصی	۳/۴۹	۰/۸۶	۱۲/۹	۳۲
۲۳	استقبال از مشارکت در فرآیند بازسازی زیر ساخت‌ها	۳/۴۳	۰/۸۴	۱۲/۷	۳۳
۲۴	تقلیل ناامنی فردی و اجتماعی	۳/۳۷	۰/۸۲	۱۲/۵	۳۴
۲۵	تقلیل اختلافات و تعارضات	۳/۳۲	۰/۶۹	۱۲/۴	۳۵
۲۶	تقویت همکاری با شوراهای اسلامی روستا	۳/۲۵	۰/۳۶	۱۱/۸	۳۷
۲۷	کمک به تعادل و توازن در نقش‌های اقتصادی و تجاری	۳/۱۹	۰/۲۸	۱۱/۵	۳۸
۲۸	استقبال از طرح‌های پیرامون ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی روستا	۳/۹	۰/۵۵	۱۱/۴	۳۹
۲۹	افزایش رضایتمندی از خود	۲/۸۸	۱/۲۱	۱۱	۴۰
۳۰	تقویت بازسازی ارتباطات اجتماعی	۲/۸۴	۰/۷۳	۱۰/۹	۴۱
۳۱	همکاری در جلوگیری از شیوع بیماری‌های انسانی و دامی واگیر مشترک دام و انسان	۲/۷۸	۰/۷۰	۱۰/۸	۴۲
۳۲	تسریع روند سرمایه‌گذاری و دسترسی آسان به اعتبارات دولتی و بانکی	۲/۷۵	۱/۰۹	۱۰/۴	۴۳

می‌دهد. همان‌طوری که ملاحظه می‌شود عامل اول بیشترین سهم (۲۶/۰۹ درصد) و عامل چهارم کم‌ترین سهم (۱۵/۳۹) را در تبیین واریانس کل متغیرها دارا می‌باشد.

**جدول ۴: عوامل استخراج شده با مقادیر ویژه و درصد واریانس بعد از چرخش**

عوامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی
عامل اول	۱۰/۹۵	۲۶/۰۹	۲۶/۰۹
عامل دوم	۷/۲۴	۱۷/۲۳	۴۳/۳۳
عامل سوم	۷/۰۴	۱۶/۷۷	۶۰/۱
عامل چهارم	۶/۴۶	۱۵/۳۹	۷۵/۵

هم‌چنین برای تعیین سطح معنی‌داری و بیان نقش هر متغیر در عامل مربوط، در پژوهش حاضر متغیرهایی که بار عاملی بیش از ۰/۴ داشتند، مدنظر قرار گرفتند. نتایج حاصل نشان می‌دهد که تمام متغیرهای وارد شده، دارای بار عاملی بیشتر از ۰/۴ بوده‌اند. در نهایت بر اساس نتایج جدول (۵)، متغیرهایی که در هر یک از چهار عامل مذکور قرار می‌گیرند، عبارتند از:

**عامل اول:** متغیر توانمندسازی اقتصادی، افزایش میزان بهره‌وری، کمک به تعادل و توازن در نقش‌های اقتصادی و تجاری، تسریع روند سرمایه‌گذاری و دسترسی آسان به اعتبارات دولتی و بانکی، افزایش حمایت مالی از همدیگر، استقبال از بیمه داوطلبانه، همکاری با دهیار، کمک به یکدیگر در ساخت مسکن، سهولت دسترسی به خدمات درمانی و بهداشتی، پذیرش اهداف و دستورات مربوط به بازسازی مناطق آسیب دیده توسط جامعه روستایی، استقبال از میزان به‌کارگیری تجهیزات ایمنی و مواد ساختمانی ایمن تر و تقلیل اختلافات و تعارضات در این عامل قرار دارند. بار عاملی این متغیرها نشان می‌دهد که تمامی آنها با این عامل همبستگی مثبت و بالایی دارند که با توجه به متغیرهایی که در این عامل قرار گرفته‌اند، عنوان «تقویت هم‌زیستی اجتماعی و نشاط اقتصادی» برای این عامل برگزیده شد. این عامل با توجه به مقدار ویژه آن (۱۰/۹۵) که از تمامی عامل‌های دیگر بیشتر است، بیش از ۲۶/۰۹ درصد از کل واریانس را تبیین می‌کند.

**عامل دوم:** متغیرهای قرار گرفته در این عامل شامل: استقبال از اقدامات آموزشی و کارآموزی پیرامون بلایای طبیعی، تقویت بازسازی ارتباطات اجتماعی، تقویت همکاری با شوراهای اسلامی، افزایش مبادله اطلاعات و

برای تعیین اثرات انسجام اجتماعی در مدیریت بحران زلزله مناطق روستایی شهرستان ورزقان، از تحلیل عاملی استفاده شد. محاسبات انجام شده در جدول (۲) نشان می‌دهد که جهت تعیین انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از تکنیک تحلیل عاملی از آزمون KMO<sup>۱</sup> و بارتلت<sup>۲</sup> استفاده شد و در این بخش مقدار KMO برابر ۰/۳۴ و نیز آماره بارتلت برای تعیین اثرات انسجام اجتماعی در مدیریت بحران زلزله منطقه مورد مطالعه نیز برابر با ۲۷۰/۹ به دست آمد که در سطح یک ۰/۰۰۰ معنی دار می‌باشد. بنابراین داده‌های موجود برای تحلیل عاملی مناسب تشخیص داده شدند.

**جدول ۲: مقدار KMO و آزمون بارتلت**

تحلیل عاملی	KMO	Bartlet Test	Sig
اثرات انسجام اجتماعی در مدیریت بحران زلزله	۰/۳۴	۲۷۰/۹	۰/۰۰۰

همان‌طوری که در جدول (۳) ملاحظه می‌شود در این تحقیق، با توجه به ملاک کیسر، ۴ عامل دارای مقدار ویژه بالاتر از یک برای تعیین اثرات انسجام اجتماعی در مدیریت بحران زلزله شهرستان ورزقان استخراج شد. پس از چرخش عاملی به روش وریماکس، متغیرهای مربوط به اثرات انسجام اجتماعی در مدیریت بحران زلزله در ۴ عامل طبقه‌بندی شدند.

**جدول ۳: عوامل استخراج شده با مقادیر ویژه و درصد واریانس قبل از چرخش**

عوامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی
عامل اول	۱۳/۰۳	۳۱/۰۳	۳۱/۰۳
عامل دوم	۸/۲۱	۱۹/۵۵	۵۰/۵۸
عامل سوم	۶/۵۰	۱۵/۴۹	۶۶/۰۸
عامل چهارم	۳/۹۵	۹/۴۱	۷۵/۵

چرخش عامل‌ها و نام‌گذاری آنها (تحلیل عاملی اثرات انسجام اجتماعی در مدیریت بحران زلزله در منطقه مورد مطالعه)

همان‌طوری که گفته شد در این پژوهش برای تسهیل در تفسیر عامل‌ها و ساده‌کردن ساختار آنها از چرخش عاملی از نوع واریماکس استفاده شده است. جدول (۴) چهار عامل استخراج شده همراه با مقادیر ویژه و درصد واریانس را بعد از چرخش نشان

1. Kaiser-Meyser-Okin

2. Bartlet Test

جدول ۵: متغیرهای مربوط به هر یک از عوامل و بار عاملی بدست آمده از ماتریس دوران یافته

بار عاملی	متغیرها	نام عامل
۰/۷۵	کمک به تعادل و توازن در نقش‌های اقتصادی و تجاری	تقویت همزیستی اجتماعی و نشاط اقتصادی
۰/۸۲	تسریع روند سرمایه‌گذاری و دسترسی آسان به اعتبارات دولتی و بانکی	
۰/۸۹	افزایش حمایت مالی از یکدیگر	
۰/۸۵	استقبال از بیمه داوطلبانه	
۰/۶۹	همکاری با دهیار	
۰/۵۶	کمک به یکدیگر در ساخت مسکن	
۰/۴۹	سهولت دسترسی به خدمات درمانی و بهداشتی	
۰/۶۷	پذیرش اهداف و دستورات مربوط به بازسازی مناطق آسیب دیده توسط جامعه روستایی	
۰/۶۷	استقبال از میزان به کارگیری تجهیزات ایمنی و مواد ساختمانی ایمن‌تر	
۰/۷۲	تقلیل اختلافات و تعارضات	
۰/۷۷	استقبال از اقدامات آموزشی و کارآموزی دولت پیرامون بلایای طبیعی	تقویت ارتباطات اجتماعی و تسهیم دانش
۰/۷۳	تقویت همکاری با شوراهای اسلامی	
۰/۷۵	افزایش مبادله اطلاعات و دانش	
۰/۶۴	افزایش انسجام اجتماعی بین افراد روستایی	
۰/۸۶	افزایش امنیت اجتماعی و اقتصادی	
۰/۶۷	افزایش تعاملات اجتماعی	
۰/۵۵	تقویت همکاری با شوراهای اسلامی	تقویت خودارزشمندی و مداخله‌گری اجتماعی
۰/۵۳	افزایش رضایتمندی از خود	
۰/۴۹	تقلیل ناایمنی فردی و اجتماعی	
۰/۶۳	افزایش میزان رضایتمندی از زندگی شغلی	
۰/۶۹	تحقق فعالیت جمعی	
۰/۹۴	مداخله سیاسی و مدنی جوامع روستایی در فرآیند مدیریت بحران بعد از وقوع زلزله	تقویت تعاملات و شادکامی اجتماعی
۰/۷۳	استقبال از طرح‌های پیرامون ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی روستا	
۰/۵۵	کمک به هدایت فعالیت‌های لازم برای مداخله بعد از وقوع بحران	
۰/۶۹	تقلیل اضطرابات روحی و روانی ناشی از زلزله	
۰/۷۷	توانایی انجام فعالیت‌های روزمره	
۰/۵۶	تجدید حیات عرصه زندگی خصوصی	
۰/۶۳	استقبال از مشارکت در فرآیند بازسازی زیرساخت‌ها	
۰/۶۲	همکاری در جلوگیری از شیوع بیماری‌های انسانی و واگیر مشترک دام و انسان	
۰/۷۳	شرکت منظم در مانورهای پیرامون آمادگی در برابر بحران زلزله	
۰/۸۱	تعامل سازنده با نهادها و سازمان‌های متولی درگیر پیرامون مدیریت بحران روستا	
۰/۵۴	مشارکت در طراحی یک مدل جامع ایمنی با مسئولان امر	

دانش، افزایش انسجام اجتماعی بین افراد روستایی، ارتقای سطح آگاهی عمومی روستاییان، افزایش امنیت اجتماعی و اقتصادی، افزایش تعاملات اجتماعی و تقویت همکاری با شوراهای اسلامی می‌باشند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود بار عاملی این متغیرها بین ۰/۵۵ تا ۰/۹۱ متغیر است و تمامی متغیرها با عامل دوم همبستگی مثبت دارند. با توجه به ماهیت متغیرهای تشکیل‌دهنده، نام «تقویت ارتباطات اجتماعی و تسهیم دانش» برای این عامل انتخاب شد که با مقدار ویژه (۷/۲۴)، در مجموع (۱۷/۲۳) درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.



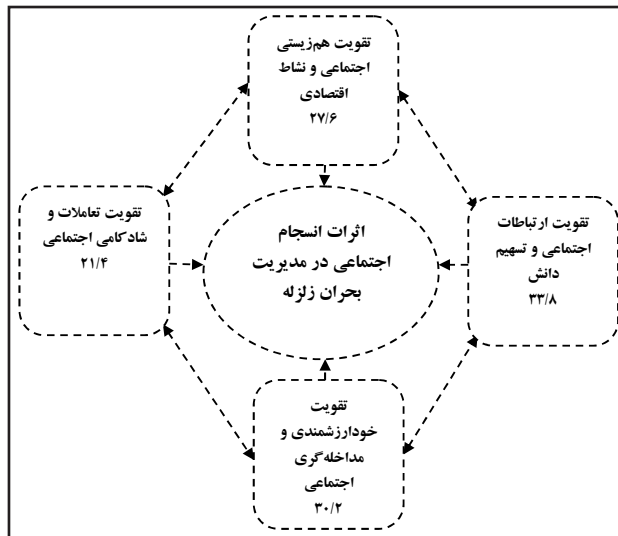
در نهایت با توجه به نتایج فوق، بررسی اثرات انسجام اجتماعی در مدیریت بحران زلزله در مناطق روستایی ورزقان در شکل (۲) نشان داده شده است که بر اساس آن اثرات انسجام اجتماعی در مدیریت بحران زلزله در منطقه مورد مطالعه با تقویت هم‌زیستی اجتماعی و نشاط اقتصادی، تقویت ارتباطات اجتماعی و تسهیم دانش، تقویت خودارزشمندی و مداخله‌گری اجتماعی و تقویت تعاملات و شادکامی اجتماعی ارتباط دارد.

### نتیجه‌گیری

این مقاله اثرات انسجام اجتماعی در مدیریت بحران زلزله از دیدگاه ساکنان محلی در مناطق روستایی شهرستان ورزقان را مورد بحث و بررسی قرار داده است. در این تحقیق جهت شناخت اثرات انسجام اجتماعی در مدیریت بحران زلزله در منطقه مورد مطالعه (۳۲) شاخص به کار گرفته شد و داده‌ها با استفاده از مدل تحلیل عاملی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و با توجه به ملاک کیسرس، ۴ عامل دارای مقدار ویژه بالاتر از یک برای بررسی اثرات انسجام اجتماعی در مدیریت بحران زلزله در مناطق روستایی استخراج شد. پس از چرخش عاملی به روش وریماکس، متغیرهای مربوط به عوامل اثرات وقوع زلزله در ۴ عامل طبقه بندی شدند. عامل اول با عنوان «تقویت هم‌زیستی اجتماعی و نشاط اقتصادی» با مقدار ویژه (۱۰/۹۵) بیش از ۲۶/۰۹ درصد از کل واریانس را تبیین کرد. عامل دوم با عنوان «تقویت ارتباطات اجتماعی و تسهیم دانش» با مقدار ویژه (۷/۲۴) در مجموع (۱۷/۲۳) درصد از واریانس کل را تبیین کرد. عامل سوم با عنوان «تقویت خودارزشمندی و مداخله‌گری اجتماعی» با مقدار ویژه (۷/۸۷) در مجموع (۱۶/۷۷) درصد از کل واریانس را تبیین کرد. عامل چهارم با عنوان «تقویت تعاملات و شادکامی اجتماعی» با مقدار ویژه (۶/۴۶) در مجموع (۱۵/۳۹) درصد از کل واریانس را تبیین کرد. که در این میان عامل «تقویت تعاملات و شادکامی اجتماعی» در بالاترین رده و عامل «تقویت هم‌زیستی اجتماعی و نشاط اقتصادی» در پایین ترین رده قرار گرفتند و مقدار واریانس و واریانس جمعی تبیین شده توسط این چهار عامل ۷۵/۵ برآورد گردید. که این مطالعه در راستای یافته‌های فوستر (۱۹۸۰) و ناریتا (۲۰۰۸)، قرار دارد. در نهایت، جهت تقویت هر چه بیشتر انسجام اجتماعی و اثرات مثبت آن در مدیریت

عامل سوم: متغیرهای افزایش رضایتمندی از خود، تقلیل نایمندی فردی و اجتماعی، افزایش میزان رضایتمندی از زندگی شغلی، احساس مسئولیت در قبال کاهش خطرپذیری سوانح طبیعی، تحقق فعالیت جمعی، توانمندسازی اجتماعی، مشارکت در روند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در خصوص مدیریت بحران، افزایش اعتماد به نفس، افزایش معنی‌داری، مداخله سیاسی و مدنی جوامع روستایی در فرآیند مدیریت بحران بعد از وقوع زلزله و استقبال از طرح‌های پیرامون ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی روستا در این عامل جای می‌گیرند که با توجه به ماهیت متغیرهای تاثیرگذار، عامل سوم تحت عنوان عامل «تقویت خودارزشمندی و مداخله‌گری اجتماعی» نامیده می‌شود. که این عامل با مقدار ویژه (۷/۰۴)، در مجموع (۱۶/۷۷) درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.

عامل چهارم: متغیرهای که در این عامل قرار می‌گیرند، شامل: کمک به هدایت فعالیت‌های لازم برای مداخله بعد از وقوع بحران، تقلیل اضطرابات روحی و روانی ناشی از زلزله، توانایی انجام فعالیت‌های روزمره، تجدید حیات عرصه زندگی خصوصی، استقبال از مشارکت در فرآیند بازسازی زیرساخت‌ها، همکاری و جلوگیری از شیوع بیماری‌های انسانی و واگیر مشترک دام و انسان، شرکت منظم در مانورهای پیرامون آمادگی در برابر بحران زلزله می‌باشد که بر اساس آنها، عنوان عامل «تقویت تعاملات و شادکامی اجتماعی» برای این عامل برگزیده شده است. که این عامل با مقدار ویژه (۶/۴۶)، در مجموع (۱۵/۳۹) درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.



شکل ۲: مدل نهایی پژوهش بررسی اثرات انسجام اجتماعی در مدیریت بحران زلزله و درصد تبیین هریک از آنها

- بحران زلزله راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود.
۱. مطلوب است با استفاده از رسانه‌های جمعی انسجام و تعلقات اجتماعی روستاییان را نسبت به یکدیگر و متولیان توسعه روستایی تسهیل کرد.
  ۲. در راستای تقویت هر چه بیشتر انسجام اجتماعی و اثرات مثبت آن در مدیریت بحران زلزله ایجاد انگیزه، تقویت حس مشارکت در راستای افزایش انسجام اجتماعی با القای این مطلب که اگر کمک‌های فکری، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آنها نباشد کاری از پیش نمی‌رود. این را می‌توان با برگزاری کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی، تهیه و نمایش فیلم‌های مستند در خصوص تجارب موفق کشورهای دیگر دنیا در زمینه مشارکت مردم با مسئولین در مقابله با بلایای طبیعی و مدیریت بحران امکان پذیر کرد.
  ۳. شایسته است ارتقای سطح انسجام اجتماعی در جوامع روستایی به طرق مختلف مانند ارائه برنامه‌های آموزشی و ترویجی که می‌تواند زمینه‌ساز نقش‌پذیری و مسئولیت‌پذیری برای روستاییان در مدیریت بحران باشد مورد توجه قرار گیرد.
  ۴. تشویق مردم و ایجاد انگیزه مادی و معنوی می‌تواند در راستای ارتقای انگیزش جهت یادگیری فواید انسجام اجتماعی مدد رسان باشد و با توجه به آن که شکل‌گیری، انباشت، نهادینه‌شدن انسجام اجتماعی در هر جامعه متأثر از عوامل و فرآیندهای متعددی، طی دوره‌های متفاوت است و هم‌چنین با توجه به متفاوت بودن پیشینه و تاریخ هر کشور، از نظر اجرایی و سیاسی، نمی‌توان توصیه یکسانی جهت ارتقای انسجام اجتماعی در تمامی جوامع روستایی ارائه نمود و جهت تقویت هر چه بیشتر انسجام اجتماعی در روستاها پیشنهاد می‌شود که از اقداماتی نظیر معرفی تیم‌های محله‌ای به رقابت‌های ورزشی شهرستان، احداث مسجد برای محله‌های جدید، برگزاری مراسم در چند نقطه روستا در شب نوروز و هر عمل دیگری که موجب دو وجهی شدن مسائل شود، در داخل روستا پرهیز شود. زیرا این مساله موجب مشارکت محله به محله در نهایت محله‌گرایی می‌شود و این همان چیزی است که انسجام اجتماعی در میان روستاییان را به شدت تضعیف می‌کند و به
- نگرش سیستمی مدیریت بحران مناطق روستایی لطمه وارد می‌کند و در مواردی هم ممکن است باعث اختلافاتی شود.
  ۵. جهت تقویت انسجام اجتماعی روستاییان پیشنهاد می‌شود آداب و رسوم، مناسک و شعائر مذهبی و قومی را که موجب گرایش روستاییان نسبت به هم‌دیگر می‌شوند، تقویت گردند. زیرا شواهدی در دست است که نشان می‌دهد طی دهه‌های اخیر عوامل مختلفی در جامعه مورد مطالعه سبب تضعیف این مناسک و شعائر گردیده‌اند.
  ۶. پیشنهاد می‌شود که افراد شایسته و معتمدین روستایی نیز نمایندگان اصناف در عرصه مدیریت بحران روستا حضور داشته باشند که این سبب مدیریت بحران به نحو شایسته می‌شود. در پژوهش‌های آماری و کمی دلیل پدیده یا واقعیت اجتماعی مورد بررسی و سنجش قرار نمی‌گیرد. از این رو، لازم است علاوه بر روش‌ها و تکنیک‌های آماری و کمی از روش‌ها و تکنیک‌های آماری و کیفی، هم‌چون مصاحبه، مشاهده، تحلیل محتوا، بحث گروهی، در پژوهش‌های اجتماعی استفاده شود.
  ۷. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بعدی در بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مدیریت بحران از روش‌های کیفی و در صورت امکان از روش‌های تلفیقی، استفاده کنند. تمایل به مشارکت در کاهش خطرها و سوانح طبیعی نیز از جمله مسائلی است که در افکار سنتی مردم ریشه دارد و به بررسی و کندوکاو در این زمینه بسیار نیاز است زیرا در مواقع بحرانی، این گونه مشارکت‌های مردمی، بسیار ارزشمند هستند و بسیاری از مسائل را حل می‌کنند شواهد و مدارک نشان می‌دهد تا حدود بسیار زیادی مشارکت مردم در مدیریت بحران تابعی از میزان انسجام اجتماعی آنان می‌باشد.
  ۸. توصیه می‌شود بر روی نحوه پیاده‌سازی چارچوب مفهومی ارائه شده در این تحقیق کار شود. با توجه به این که هر کدام از فازهای مدیریت بحران و مکاتب فکری انسجام اجتماعی کلی است، با انتخاب تعدادی از این فازها و مکاتب، می‌توان تحقیقات بیشتری بر روی آنها انجام داد و آنها را به صورت عملی پیاده‌سازی نمود. تحقیق حاضر می‌تواند برای بلایای طبیعی دیگر هم چون سیل، گردباد، کولاک و ... با پاره‌ای تغییرات اعمال شود.

**منابع**
**منابع فارسی:**

- پورطاهری، مهدی؛ پریشان، مجید، رکن الدین افتخاری، عبدالرضا؛ عسگری، علی (بهار ۱۳۹۰). سنجش و ارزیابی مولفه‌های مبنایی مدیریت ریسک زلزله؛ مطالعه موردی: مناطق روستایی شهرستان قزوین. فصلنامه پژوهش‌های روستایی. ۲(۱)، صص ۱۵۰-۱۱۵. بازیابی از: <http://fa.journals.sid.ir/ViewPaper.aspx?id=148814>
- حیدری ساربان، وکیل (پاییز ۱۳۹۳). تحلیل اثرات وقوع زلزله در مناطق روستایی، مطالعه موردی: شهرستان ورزقان. فصلنامه جغرافیا و مخاطرات محیطی. ۳(۱۱)، صص ۵۹-۴۱. بازیابی از: <http://geoeh.um.ac.ir/index.php/geo/article/view/31388>
- رشیدی، معصومه؛ رامشت، محمد حسین؛ سیف، عبدالله؛ غریب، هادی (تابستان ۱۳۹۰). مدیریت بحران در جهت تعدیل خسارت‌های حاصل از زلزله در استان تهران. فصلنامه علمی امداد و نجات، ۳(۱ و ۲)، صص ۴۷-۴۰. بازیابی از: [magiran.com/p971629](http://magiran.com/p971629)
- رضوانی، محمدرضا؛ (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران. تهران: نشر قومس. بازیابی از: <http://vista.ir/article/809483>
- طالب، مهدی؛ عبنری، موسی؛ دانش‌مهر، حسین (۱۳۸۸). بررسی تاثیر انسجام اجتماعی بر مشارکت اجتماعی روستائیان، مطالعه موردی، روستای دشه از توابع شهرستان پاوه. نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی. شماره ۲۷. صص ۹۳-۶۷.
- کریمی موغاری، زهرا؛ ابونوری، اسماعیل؛ زبیری، هدی (زمستان ۱۳۹۰). بررسی نقش انسجام اجتماعی در توسعه اقتصادی. فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه. ۱۶(۴)، صص ۲۱۴-۱۸۳. بازیابی از: <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/967467>
- ویسی، رضا؛ کشاورزی، امراه (تابستان ۱۳۹۰). تبیین مدل ساختاری مشارکت در کاهش خطر سوانح طبیعی. فصلنامه فرآیند مدیریت و توسعه، ۲۴(۲)، صص ۱۰۲-۷۹. بازیابی از: [http://www.jmdp.ir/browse.php?a\\_code=A-10-1-239&slc\\_lang=fa&sid=1](http://www.jmdp.ir/browse.php?a_code=A-10-1-239&slc_lang=fa&sid=1)
- هاشمی، سید مناف (۱۳۹۰). جایگاه ساختار و بافت شهری در کاهش آسیب پذیری پس از زلزله در چرخه مدیریت بحران. پیام ایمنی، ۹(۳۵)، صص ۳۵-۳۰. بازیابی از: [magiran.com/p1024168](http://magiran.com/p1024168)
- گلابچی، محمود، طبیب، مجتبی (۱۳۸۷). علل عدم پایداری ساختمان‌های مسکونی روستایی در برابر زلزله و ارائه الگوی ساخت بر اساس امکانات و توانایی‌های محلی، (مورد: روستاهای زرنند کرمان). مجله هنرهای زیبا، ۳۰(۳)، صص ۴۵-۲۰. بازیابی از: [https://journals.ut.ac.ir/article\\_18059\\_1770.html](https://journals.ut.ac.ir/article_18059_1770.html)
- امام جمعه زاده، سید جواد، صادقی نقدعلی، زهرا، رهبر قاضی، محمود رضا، نوعی باغبان، سید مرتضی (بهار ۱۳۹۲). بررسی رابطه مصرف رسانه‌ای و انسجام اجتماعی، (مطالعه موردی: جوانان شهر تبریز). فصلنامه توسعه اجتماعی-فرهنگی، ۱(۱)، صص ۳۱-۹.
- <http://fa.journals.sid.ir/ViewPaper.aspx?id=217978>
- فریدی، محمد (۱۳۸۹)، بررسی زمین‌شناسی ساختمانی سیلان، آرشیو سازمان انرژی‌های نو ایران.

**منابع انگلیسی:**

- Benson, C.( 1997). The Economic and social Impacts of natural disasters in the Philippines. ODI Working. 54, 125-134. Retrived from: <http://www.odi.org/sites/odi.org.uk/files/odi-assets/publications-opinion-files/7026.pdf>
- Burnet, H(1998). a strategic approach to managing crisis, Public Relation Review, 24(48).
- Foster, H. D., (1980). Disaster planning, the preservation of life and property. New York. Spring Verlag. Retrived from: DOI: 10.1002/esp.3290070311
- Hainzl, S., (2012). Earthquake triggering and interaction, University of Potsdam. Retrived from: [https://publishup.uni-potsdam.de/files/4766/hainzl\\_habil.pdf](https://publishup.uni-potsdam.de/files/4766/hainzl_habil.pdf)
- Mitchell D., (2008). Assessing and responding to land tenure issues in disaster risk management. Fao Training Manual. With the supervision of Adriana Herrera Garibay. Rome. Retrived from: March. <http://www.fao.org/3/a-i2115e.pdf>
- Narita, E., (2008). Disaster management as a social activity: the achieve beyond what is possible. Annual review of Sociology, 2(1) 504-505.
- North, D, C., (2008) understanding the process of economic change. Princeton University Press. Retrived from: <http://press.princeton.edu/titles/7943.html>
- Parsons, T., (1959). the school class as a social system, in Social Structure and Personality, ed. T. Parsons. New York: Free Press.
- Paul,A.K.,Kumar,U.C., (2005). Quality of life concept for the evaluation of societal development of rural community in West Bengal. India. Rural Development, 4(3) 253-265. Retrived from: <http://www.cabdirect.org/abstracts/20063144478.html;jsessionid=64D629F713D9AF834AE0985B2CC1540F>
- Sen, A., (2002). Commodities and capabilities. Amsterdam: North Holland. Development as freedom. Oxford. Oxford University Press.
- Smith, K., (2006). Environmental Hazards: Assessing Risk and Reducing Disaster. 2nd Ed. Routledge. London. Retrived from: <http://www.amazon.com/Environmental-Hazards-Assessing-Routledge-Environment/dp/0415224640>
- Townsend, R., (2003). Risk and insurance in village India. International journal of urban and Regional Research, 22(1). 49-59.
- Trondheim R. J., (2008). Reducing Disaster Vulnerability through Local knowledge and Capacity: The Case of Earthquake prone Rural Communities in India and Nepal, Dr.ing Thesis, Norwegian University of Science and Technology. Retrived from: <http://www.diva-portal.org/smash/get/diva2:123824/FULLTEXT01>.
- Wilhite, D., (2003). Moving toward drought risk management: the need for a global strategy. National Drought Mitigation Center. University of Nebraska, Lincoln.<http://University of Drought.Un.Edu>.
- Stanganelli, Marialuce (2008). A new pattern of risk management: The Hyogo Framework for Action and Italian practice. Journal Socio-Economic Planning Sciences . Napoli, Italy : Elsevier Ltd., 4(2), 155-173. Retrived from: <http://EconPapers.repec.org/RePEc:eee:soceps:v:42:y:2008:i:2:p:92-111>